



## Research paper

## A Comparative Analysis of the Political State of the Zionist Regime and a Prediction of Its Decline Based on Religious Teachings

**Alinaghi Lezgi**

Assistant Professor, Department of Education and Theology, Imam Ali (AS) Military University, Tehran, Iran

a.lezgi@yahoo.com

0009-0007-9459-8283

**Ali Saghafiyani**

PhD in Quran and Hadith Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding author).

a.saghafiyani@gmail.com

0000-0002-6108-3300

### Abstract

The stability or decline of the Zionist regime—widely regarded in the public consciousness of Muslim-majority countries as “illegitimate”—has consistently been a contentious issue at the center of attention for political and social thinkers and commentators worldwide. Among the most prominent analyses is Ayatollah Khamenei’s prediction of the regime’s collapse, a topic that, based on various analytical paradigms, including Islamic thought, warrants scholarly exploration. Accordingly, this study seeks to answer the following question: From a political perspective, how can the predicted decline be explained through Quranic verses and Islamic traditions? To address this, the researcher adopts a descriptive-analytical approach, drawing on library sources and hadith literature. The study concludes that the gradual political decline of the Zionist regime is not only supported by observable evidence—such as its discriminatory and racist policies, corruption among its leaders, and authoritarian practices that have eroded its legitimacy domestically, regionally, and internationally—but is also strongly corroborated by divine discourse in numerous Quranic verses and narrations from the Prophet’s Household (peace be upon them).

**Keywords:** Zionism, Zionist regime, political decline, Ayatollah Khamenei, Middle East





## مقاله پژوهشی

## تحلیل تطبیقی وضعیت سیاسی رژیم صهیونیستی و پیش‌بینی زوال آن بر اساس آموزه‌های دینی

## علینقی لزگی

استادیار گروه معارف و الهیات دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران.

a.lezgi@yahoo.com

0009-0007-9459-8283

## علی ثقفیان

فارغ التحصیل دکترای رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

a.saghafiyani@gmail.com

0000-0002-6108-3300

## چکیده:

پایداری یا زوال رژیم صهیونیستی که همواره با کلیدواژه «نامشروع» در اذهان عمومی کشورهای مسلمان جهان عجین گشته است، پیوسته به‌عنوان نگرشی چالش‌برانگیز در کانون توجه متفکران و مفسرین سیاسی و اجتماعی در اقصی نقاط جهان قرار داشته است. از جمله مهم‌ترین تحلیل‌ها، پیش‌بینی زوال رژیم مذکور از سوی آیت‌الله خامنه‌ای بوده است؛ مسئله‌ای که بر اساس پارادایم‌های تحلیلی مختلف، از جمله اسلامی، از قابلیت طرح و اکاوی پژوهشی برخوردار است. مبتنی بر این امر، پژوهش کنونی درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که زوال پیش‌بینی شده از سوی ایشان در بُعد سیاسی، بر اساس کدام یک از آیات قرآن کریم و روایات اسلامی تبیین پذیر است. به‌منظور پاسخ‌گویی به این پرسش، پژوهشگر درصدد استفاده از روش توصیفی-تبیینی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و روایی برآمده است. شایان‌ذکر است فرجام این پژوهش به این نکته می‌پردازد که روند تدریجی زوال سیاسی رژیم صهیونیستی نه تنها بر اساس مستندات عینی همچون رویکردهای تبعیض‌آمیز و نژادپرستانه، فساد مقامات و سیاست‌های استبدادی که منتج به کاهش مشروعیت این رژیم نزد جامعه داخلی، کشورها و نهادهای بین‌المللی شده قابل تصدیق است، بلکه بر اساس گفتارهای الهی مطرح در آیات مختلف قرآن کریم و احادیث معصومین<sup>(ع)</sup> نیز می‌توان به‌خوبی بر آن صحنه گذاشت.

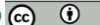
**واژگان اصلی:** صهیونیسم، رژیم صهیونیستی، زوال سیاسی، آیت‌الله خامنه‌ای، خاورمیانه.



دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی

Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0



Doi: 10.22034/irsj.2025.506251.1110

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

## مقدمه

پایداری یا زوال سیاسی رژیم صهیونیستی همواره یکی از پرسش‌های بنیادین و چالش‌برانگیز در سپهر سیاست بین‌الملل بوده است. این رژیم، که از نخستین روزهای پیدایش خود بر پایه اشغالگری و در سایه قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل شکل گرفت، همواره با موجی از عدم پذیرش، به‌ویژه از سوی کشورهای اسلامی، مواجه بوده است. بنیان‌های این عدم پذیرش، ریشه‌ای ژرف در هویت تاریخی، دینی و ژئوپلیتیکی منطقه داشته و از همان آغاز، رژیم صهیونیستی را در موقعیتی متزلزل و متأثر از منازعات مستمر قرار داده است. از این‌رو، در میان ملت‌ها و دولت‌هایی که مشروعیت سیاسی را نه تنها در چهارچوب‌های حقوقی، بلکه در بستر پذیرش واقعی و هویتی آن در میان همسایگان تعریف می‌کنند، رژیم صهیونیستی همچنان در وضعیتی بغرنج به سر می‌برد. این عدم مشروعیت که در قالب تقابل‌های مستقیم، همچون جنگ‌های اعراب و رژیم صهیونیستی و راهبردهای غیرمستقیم، همچون جنگ‌های نیابتی ایران با رژیم صهیونیستی، نمود یافته، ساختار سیاسی این رژیم را همواره در معرض چالش‌های عمیقی قرار داده است؛ چرا که مشروعیت یک نظام سیاسی هنگامی تثبیت می‌شود که مورد پذیرش اکثریت واحدهای سیاسی هم‌جوار قرار گیرد و در نبود این پذیرش، روند فرسایشی مشروعیت‌زدایی، خواه در کوتاه‌مدت و خواه در بستر زمان، به افول و فروپاشی آن نظام خواهد انجامید.

یکی از مسائل شایان توجه که علی‌رغم اهمیت بالای آن در چهارچوب منازعات سیاسی و مناسبات دیپلماتیک کمتر از منظر علمی و پژوهشی مورد توجه قرار گرفته است واکاوی ابعاد، مبانی و دلایلی است که آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر آن به پیش‌بینی زوال رژیم صهیونیستی پرداخته‌اند. این سخن که در سال ۱۳۹۴ با تأکید بر نابودی رژیم صهیونیستی طی ۲۵ سال آتی مطرح شد، از جنبه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و غیره قابل بررسی و تحلیل است.

نظر به منازعات گسترده و ریشه‌دار میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی، این احتمال وجود دارد که پاره‌ای از ناظران، اظهارات مطرح‌شده درخصوص زوال این

رژیم را صرفاً در شمار ادعاهای سیاسی یا نبردهای تبلیغاتی قلمداد کنند. برداشتی که به دلالت التزامی، حکایت از آن دارد که این سخن را فاقد پشتوانه‌ای از تحلیل‌های ژرف و ریشه‌های اصیل فکری بپندارند. بنابراین رد این ادعا و اثبات استواری و اتقان سخنان مذکور، جز با ارائه مبانی نظری و مستندات معتبر برگرفته از منابع علمی و اصیل، امکان‌پذیر نخواهد بود.

از این رو، هدف بنیادین مقاله حاضر آن است که با اتکا بر منابع اسلامی، مبانی زوال سیاسی رژیم صهیونیستی را به‌گونه‌ای ژرف و نظام‌مند واکاوی و تحلیل نماید و بدین‌وسیله، خلأ پژوهشی موجود را از این منظر خاص مرتفع سازد. بنابراین مسئله محوری تحقیق چنین صورت‌بندی می‌شود: زوال سیاسی رژیم صهیونیستی بر پایه کدام یک از آموزه‌های دینی قابلیت تبیین و استناد دارد؟ پاسخ به این پرسش، افزون بر فراهم آوردن درکی ژرف‌تر از ابعاد حکیمانه سخنان آیت‌الله خامنه‌ای، می‌تواند همچون قطعه‌ای مؤثر از پازل آینده‌پژوهی زوال این رژیم، تصویری دقیق‌تر از واقعیت‌های موجود آن ارائه دهد و بدین‌سان، مبنایی کارآمد برای سیاست‌گذاری و اتخاذ راهبردهای مواجهه با این رژیم فراهم سازد.

در همین راستا پژوهشگر، با رویکردی توصیفی-تبیینی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و روایی، می‌کوشد تا ضمن بهره‌گیری از مؤلفه‌های اسلامی، تحولات درون‌مرزی و برون‌مرزی مؤثر بر روند اضمحلال سیاسی رژیم صهیونیستی را در تلفیق با آموزه‌های فوق‌مطرح و تفسیر نماید. فرضیه پژوهش حاضر آن است که بر اساس آموزه‌های دینی، زوال سیاسی رژیم صهیونیستی قابل پیش‌بینی است. قرآن کریم با اشاره به سرنوشت اقوام پیشین، از جمله بنی‌اسرائیل، تأکید دارد که بقای حکومت‌ها به رعایت حق و عدالت وابسته است، درحالی‌که نظام‌های مبتنی بر ظلم، سرانجامی جز فروپاشی ندارند. در کنار آیات قرآنی، روایات اسلامی نیز، تصویری جامع از سنت‌های الهی در باب بقای حکومت‌ها ارائه می‌دهند و با ارائه نشانه‌های روشنی از آینده تحولات جهان، ابعادی نوین از این مسئله را آشکار می‌سازند.

## ۱. پیشینه پژوهش

از منظر تحلیلی، دستاوردهای علمی مرتبط با این پژوهش را می‌توان در سه محور اصلی طبقه‌بندی نمود: نخست، «درک سازوکارهای زوال سیاسی در رژیم‌های معاصر»؛ دوم، «تحلیل روند فروپاشی تدریجی مؤلفه‌های ساختاری رژیم صهیونیستی» و سوم، «بازخوانی تاریخی - الهیاتی عملکرد بنی‌اسرائیل در پرتو متون مقدس». در این چهارچوب، رکابیان، پادروند و عزتی (۱۴۰۳)، در قالب مقاله‌ای با عنوان «طوفان‌الاقصی و تأثیر آن بر بحران امنیتی و سیاسی رژیم صهیونیستی»، با بهره‌گیری از رویکرد مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی، به واکاوی ابعاد چندگانه بی‌ثباتی ناشی از وقایع ۷ اکتبر پرداخته‌اند. آن‌ها در سطح امنیتی، به مواردی نظیر گسترش ناامنی روانی در میان شهروندان، تنش روانی نیروهای نظامی و تهدیدات متوجه زیرساخت‌های حیاتی مانند فرودگاه‌ها و زرادخانه‌های هسته‌ای اشاره نموده‌اند. در بُعد سیاسی، کاهش مشروعیت داخلی و بین‌المللی دولت نتانیاهاو، اعتراضات گسترده در اروپا و طرح دعوی آفریقای جنوبی نزد دیوان بین‌المللی دادگستری از جمله مصادیق مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در بُعد اقتصادی، مختل شدن نظام واردات و صادرات و رکود بازارها به‌ویژه در اثر بحران کشتیرانی در دریای سرخ مورد ارزیابی قرار گرفته است. نهایتاً، نویسندگان نتیجه‌گیری کرده‌اند که این بحران‌های سه‌گانه، باعث انتقال گفتمان امنیتی رژیم صهیونیستی به سطحی می‌شوند که «بقا» را به‌عنوان راهبرد محوری سیاست‌گذاری پس از ۷ اکتبر تعریف می‌نماید.

در همین راستا، شمالی و ربیع نتاج (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی اخلاق بنی‌اسرائیل در قرآن و تورات»، به تحلیل مقایسه‌ای مضامین اخلاقی قوم بنی‌اسرائیل در دو متن دینی قرآن و تورات پرداخته‌اند. ایشان با استخراج آیات قرآنی مربوط به بنی‌اسرائیل و تطبیق آن‌ها با عبارات توراتی ویژگی‌هایی نظیر فریبکاری، بهانه‌جویی، تمایل به بت‌پرستی و سرپیچی از فرمان الهی را به‌عنوان خصایص مشترک مورد شناسایی قرار داده‌اند. نتیجه‌گیری نهایی این مقاله آن است که هر دو متن تصویری منفی از این قوم ترسیم می‌کنند و در عین وجود برخی ارجاعات به برتری، این برتری‌ها

مشروط به التزام اخلاقی و دینی بوده و در صورت تخطی، نکوهش و مذمت الهی را در پی داشته است.

در ادبیات پژوهشی انگلیسی‌زبان نیز آثار متعددی به بررسی روند اضمحلال عناصر بنیادین قدرت سیاسی رژیم صهیونیستی پرداخته‌اند. در این میان، مقاله گیدرون (۲۰۲۳) با عنوان «چرا دموکراسی رژیم صهیونیستی در بحران است» (Gidron, 2023: 33-45) حائز اهمیت ویژه‌ای است. نویسنده با تمرکز بر اصلاحات قضایی پیشنهادی دولت نتانیا‌هو در سال ۲۰۲۳، نشان می‌دهد که تضعیف استقلال قضایی و تمرکز قدرت در دست دولت، روندی مشابه با تحولات صورت‌گرفته در مجارستان و لهستان را دنبال می‌کند. گیدرون تأکید دارد که این زوال دموکراتیک نه توسط نیروهای حاشیه‌ای، بلکه به‌دست نخبگان محافظه‌کار پیش برده می‌شود. وی استدلال می‌کند که فهم جامع از فرایند زوال دموکراسی مستلزم تحلیل هم‌زمان نگرش‌های نخبگان و توده‌ها است و مورد رژیم صهیونیستی ضرورت بازاندیشی در دسته‌بندی‌های سنتی این حوزه را برجسته می‌سازد.

همچنین هیورت (Hjorth, 2018: 37-49) در مقاله‌ای تحت عنوان «زوال سیاسی و آرکادیانیسم سیاسی» به بررسی مفهومی زوال سیاسی از منظر نظریه‌های کلاسیک سیاسی پرداخته است. وی استدلال می‌کند که زوال سیاسی پدیده‌ای ذاتی در ساختار قدرت است، چرا که بذره‌های انحطاط همواره در بطن سازوکارهای سیاسی نهفته‌اند. او مفهوم «آرکادیانیسم سیاسی» را به‌عنوان گرایش به بازسازی گذشته‌ای ایدئال معرفی می‌کند و هشدار می‌دهد که تمرکز بر گذشته خیالی، نه‌تنها ناکارآمد است، بلکه می‌تواند به تقویت افراط‌گرایی، بی‌اعتمادی عمومی و تضعیف مشروعیت نهادهای سیاسی بینجامد.

با مرور مطالعات فوق و سایر آثار مرتبط در این حوزه، نوآوری پژوهش حاضر در آن است که با تلفیق روشمند نظریه‌های کلاسیک و معاصر در حوزه زوال سیاسی، آموزه‌های دینی (اعم از آیات قرآن، روایات اسلامی و تحلیل‌های تفسیری) و مشاهدات تجربی از فروپاشی تدریجی عناصر کلیدی رژیم‌های اقتدارگرا، به واکاوی زوال ساختارهای مشروعیت و بقا در رژیم صهیونیستی می‌پردازد. این تحلیل تلفیقی، زمینه‌ساز ارائه الگویی بدیل در شناخت پویایی‌های قدرت و زوال در سطح حقوقی، الهیاتی و سیاسی است.

## ۱-۱. دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره رژیم صهیونیستی

آیت‌الله خامنه‌ای، رژیم صهیونیستی را همواره نامشروع و محکوم به نابودی دانسته‌اند؛ موضعی که ریشه در اندیشه‌های امام خمینی<sup>(ره)</sup> دارد و طی سه دهه گذشته بارها در سخنان ایشان تکرار شده است.

پس از رحلت امام خمینی<sup>(ره)</sup>، آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر استمرار خط ایشان، رژیم صهیونیستی را «غده بدخیم سرطانی» معرفی و نابودی آن را امری قطعی دانستند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۵/۰۹). ایشان حل مسئله فلسطین را منوط به از میان برداشتن این رژیم دانسته (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۵/۲۸) و موجودیت آن را شکست‌خورده توصیف کردند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۰۴/۲۱). همچنین در کنفرانس حمایت از انتفاضه، رژیم صهیونیستی را از درون پوسیده دانسته و نسل کنونی آن را ناتوان خواندند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۰۶/۱۴).

در دهه‌های اخیر، ایشان شکست‌های متوالی رژیم صهیونیستی همچون شکست در برابر حزب‌الله (۳۳ روز)، فلسطینی‌ها (۲۲ روز)، مردم غزه (۸ روز) و دیگر موارد را نشانه افول آنان دانسته‌اند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۷/۰۹/۰۴). آیت‌الله خامنه‌ای همچنین مبارزه با صهیونیسم و حمایت از انتفاضه را از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی دانسته‌اند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

در سال‌های اخیر، مواضع آیت‌الله خامنه‌ای صریح‌تر شده است. ایشان در سال ۱۳۹۴ تأکید کردند که «رژیم صهیونیستی ۲۵ سال آینده را نخواهد دید» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۰۶/۱۸) و تحقق این وعده را منوط به تداوم مبارزه و وحدت مسلمانان دانستند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۰۹/۲۴). به باور ایشان، ازاله رژیم صهیونیستی به معنای نابودی یهودیان نیست، بلکه پایان سلطه این رژیم و تعیین سرنوشت فلسطین توسط ساکنان اصلی آن است؛ امری که هم‌ریشه در تجربیات تاریخی دارد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۸/۲۴) و هم پشتوانه قرآنی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۴۰۲/۰۸/۱۰).

## ۲. چهارچوب مفهومی: زوال سیاسی

زوال به‌عنوان یک مفهوم کلیدی و چندبُعدی، تحت معانی متنوعی چون ازبین‌رفتن، دورشدن، ذهاب و استحاله تعریف گردیده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۸۷؛ معین، ۱۳۸۱: ۷۹۴). این مفهوم به‌عنوان یک «روند تدریجی»، به‌طور آهسته موجب تضعیف ساختارهای قراردادی، ازجمله دولت‌ها و نظام‌های سیاسی، می‌شود. بااین‌حال، تاریخ سیاسی بشر غالباً با «اتفاق‌های لحظه‌ای» مشتمل بر سقوط و شکست همراه بوده و همین امر سبب شده است که توجه به فرایند گام‌به‌گام زوال، که به‌تدریج ساختارهای قدرت را فرسوده می‌سازد، کمتر مورد توجه قرار گیرد؛ بنابراین بی‌توجهی دولت‌ها به این روند، در طول تاریخ، زمینه سقوط بسیاری از امپراتوری‌ها و دولت‌ها را فراهم آورده است (شعبانعلی، ۱۴۰۲).

مبتنی گزاره‌های فوق، زوال سیاسی به‌عنوان یک مفهوم جامع و پیچیده، به تضعیف یا فروپاشی قدرت دولت‌ها، کاهش مشروعیت حکومت و ناتوانی در انجام وظایف سیاسی و اجتماعی اشاره دارد. زوال سیاسی معمولاً با عواملی چون فساد، ناکارآمدی دولتی، منازعات داخلی و کاهش اعتماد عمومی پیوند دارد (Yuan & Xin, 2023: 2-3). این مفهوم در تاریخ تفکر سیاسی همواره مورد بررسی عمیق نظریه‌پردازان قرار گرفته است که هریک از زاویه‌ای خاص، به تحلیل عوامل و پیامدهای آن پرداخته‌اند. در همین راستا واکاوی نظریات اندیشمندانی همچون «ابن خلدون»<sup>۱</sup>، «نیکولو ماکیاولی»<sup>۲</sup>، «فرانسیس فوکویاما»<sup>۳</sup> و «ساموئل هانتینگتون»<sup>۴</sup> بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که هر یک، دیدگاه‌های جالب‌توجهی را بنا بر سازه‌های ذهنی منحصربه‌فرد خویش مطرح کرده‌اند.

در همین راستا، ابن خلدون، مورخ و نظریه‌پرداز مسلمان، در اثر «مقدمه»<sup>۵</sup> زوال دولت‌ها را بخشی از چرخه طبیعی ظهور، رشد، شکوفایی و فروپاشی حکومت‌ها می‌داند. از دیدگاه او، «عصبیت» یا همبستگی اجتماعی، همراه با باورهای دینی، بنیان بقای جوامع را شکل می‌دهد؛ اما با گذر زمان، این پیوندها تضعیف شده و زمینه‌ساز فساد، تجمل‌گرایی

1. Abd al-Rahman Ibn Khaldun

2. Niccolo Machiavelli

3. Francis Fukuyama

4. Samuel P. Huntington

5. Muqaddimah

و رقابت‌های داخلی می‌شود که سرانجام فروپاشی دولت را رقم می‌زند (اطهری و حسینی گاج، ۱۳۹۱: ۸-۱۲). در مقابل، ماکیاولی، فیلسوف ایتالیایی، در کتاب «شهریار»<sup>۱</sup> زوال سیاسی را سرنوشتی محتوم نمی‌داند و بر نقش تصمیمات مدبرانه در پیشگیری از آن تأکید می‌کند. او اقتدار، مدیریت بحران و حفظ تعادل میان عدالت و قدرت را کلید بقای حکومت می‌داند و هشدار می‌دهد که ناتوانی در کنترل تهدیدات داخلی و خارجی مشروعیت حکومت را متزلزل می‌سازد (Haokai, 2022: 36-37; Holler, 2009: 344-345).

هانتینگتون، نظریه‌پرداز معاصر آمریکایی، در کتاب «سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی»<sup>۲</sup> زوال سیاسی را نتیجه ناهماهنگی میان میزان مشارکت سیاسی و ظرفیت نهادی جامعه می‌داند. او معتقد است که نهادهای سیاسی ناکارآمد توان پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی را ندارند و این ضعف، به بی‌ثباتی منجر می‌شود. از دیدگاه او، حفظ تعادل میان توسعه نهادی و گسترش مشارکت سیاسی، عامل کلیدی در پیشگیری از زوال سیاسی است (معینی‌پور، ۱۳۸۸: ۸۵-۸۸).

هانتینگتون این روند را در سه مؤلفه اساسی تحلیل می‌کند:

۱. ناکارآمدی نهادهای سیاسی: رشد سریع اجتماعی و اقتصادی در بسیاری از جوامع از توسعه نهادهای سیاسی فراتر می‌رود. این شکاف، توانایی حکومت در مدیریت و پاسخ‌گویی به مطالبات جدید را کاهش داده و به تضعیف کارآمدی نظام سیاسی می‌انجامد؛

۲. عدم تناسب میان توسعه اقتصادی و نهادی: توسعه اقتصادی بدون ایجاد نهادهای سیاسی قوی و دموکراتیک، جوامع را در معرض بی‌نظمی و آشفتگی قرار می‌دهد. چنین وضعیتی ساختار سیاسی را از درون متزلزل ساخته و بستری برای بحران‌های اجتماعی فراهم می‌کند؛

1. The Prince

2. Political Order in Changing Societies

۳. فساد و زوال اعتماد عمومی: فساد گسترده در ساختار حکومتی موجب کاهش مشروعیت نهادهای سیاسی و فرسایش اعتماد عمومی می‌شود. این بی‌اعتمادی، نظام سیاسی را منزوی کرده و انسجام اجتماعی را به چالش می‌کشد.

در نهایت، فوکویاما در کتاب «نظم سیاسی و زوال سیاسی»<sup>۱</sup>، زوال دولت‌های مدرن را ناشی از ناتوانی نهادهای سیاسی در انطباق با تغییرات اجتماعی و اقتصادی می‌داند. به اعتقاد او، حکمرانی ضعیف و فساد نهادینه‌شده، به‌ویژه در نظام‌های پاتریمونیالیستی، از عوامل کلیدی زوال هستند. وی تأکید دارد که حتی در دموکراسی‌ها، رشد بوروکراسی و منازعات حزبی می‌توانند مشروعیت دولت را تضعیف کنند.

فوکویاما بر ضرورت تقویت نهادهای سیاسی، حفظ شفافیت و مقابله با فساد برای جلوگیری از زوال تأکید دارد و این فرایند را فرصتی برای بازنگری در سیاست‌ها و تعامل پویا میان نهادها و جامعه می‌داند. در همین راستا، اصلاحات مستمر و متناسب با تغییرات اجتماعی می‌تواند از فروپاشی جلوگیری کند (Hicks, 2015: 119-121; Snyder, 2015).

در این میان و فارغ از نگرش‌های فردی فوق، در الگوها و اندیشه‌های دینی، به‌ویژه در چهارچوب پارادایم اسلامی، زوال سیاسی نه تنها یک رخداد تاریخی، بلکه سنتی الهی و اجتماعی است که ریشه در انحرافات اخلاقی، اجتماعی و مدیریتی جوامع دارد. در این چهارچوب، فروپاشی حکومت‌ها نتیجه طبیعی فاصله‌گیری از عدالت، فساد ساختاری، استبداد، نژادپرستی و فقدان مشروعیت است. در بُعد فردی، انحطاط اخلاقی و گسست از اصول معنوی، بنیان‌های ارزش‌های انسانی را تضعیف کرده و انسجام اجتماعی را متزلزل می‌سازد؛ در بُعد جمعی نیز ناکارآمدی سیاسی و اقتصادی، روند زوال را تسریع می‌کند. از این‌رو، در اندیشه اسلامی، دوام و مشروعیت حکومت‌ها بسته به میزان تطابق آنان با سنت‌های الهی است، چراکه جوامع سیاسی بر اساس عملکرد خود در برابر این سنت‌ها، پاداش یا عقوبت دریافت خواهند کرد. از این منظر، بررسی فرایند زوال رژیم صهیونیستی در پرتو آموزه‌های قرآنی و روایی، مستلزم شناخت عمیق از بنیان‌های شکل‌گیری این رژیم و میزان همسویی آن با قوانین الهی و اجتماعی است.

<sup>1</sup>. Political Order and Political Decay

در همین راستا و در اندیشه فلسفی ابونصر فارابی به‌عنوان یکی از اندیشمندان برجسته مسلمان، زوال سیاسی حاصل خروج حکومت از مسیر فضیلت و عقلانیت است. وی در آثاری همچون «آراء اهل المدینه الفاضله» و «تحصیل السعاده»، سیاست را امری وابسته به عقل عملی و مبتنی بر تربیت فضائل اخلاقی می‌داند. از دیدگاه فارابی، دولت فاضله، حکومتی است که هدف آن نیل به سعادت حقیقی انسان است (تورانی و عمرانیان و مرتضوی، ۱۳۹۱: ۱۱۸-۱۱۹)؛ اما وقتی این حکومت به‌سوی جاه‌طلبی، جهل، لذت‌محوری و استبداد منحرف شود، دیگر نمی‌تواند وظیفه خود را در هدایت شهروندان به‌سوی کمال انجام دهد و در نتیجه، به‌سوی زوال سوق می‌یابد. وی به‌طور خاص، حکومت‌های «فاسقه» را مثالی از نظام‌هایی می‌داند که از مسیر عقل و فضیلت خارج شده‌اند و به همین سبب، محکوم به فروپاشی می‌باشند (صمدیه و شمسی و صفرزاده ملکی، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

علامه سید محمدحسین طباطبایی نیز، زوال سیاسی را نه یک پدیده تصادفی، بلکه نتیجه تخلف جوامع از سنت‌های الهی و قوانین تکوینی حاکم بر تاریخ بشر می‌داند. وی در تفسیر المیزان، با استناد به آیاتی چون «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)، تأکید می‌کند که تحول و انحطاط ملت‌ها، تابع عملکرد درونی آن‌ها و مبتنی بر اصل علیت در سنت‌های اجتماعی الهی است. به باور وی، فساد سیاسی و اجتماعی، استبداد، نابرابری و گسست اخلاقی، در کنار بی‌توجهی به اصول عدالت و معنویت، عواملی هستند که به‌طور قهری موجب فروپاشی مشروعیت و نهایتاً نابودی حکومت‌ها می‌شوند. بر همین اساس وی هلاکت تاریخی حکومت‌ها را نه صرفاً نشانه ضعف نظامی یا مدیریتی، بلکه بازتاب انحرافات معرفتی و اخلاقی آن‌ها در برابر اراده الهی می‌داند (زهرایی، ۱۳۷۷: ۱۰۷-۱۱۱).

در نهایت سید محمدباقر صدر، در آثار مهمی چون «الاسلام يقود الحياه»، «خلافه الإنسان» و «شهادة الأنبياء»، بنیان مشروعیت و بقای حکومت را در خلافت انسان و گواهی پیامبران بر پایه عدالت، توحید و نقش‌آفرینی مردم می‌بیند. وی زوال سیاسی را نه تنها یک امر مدیریتی، بلکه پدیده‌ای معرفت‌شناختی و تمدنی نیز تلقی می‌کند؛ به این معنا که وقتی یک نظام سیاسی از پیوند با نظام ربوبی و مبانی وحیانی جدا شود، دچار نوعی خلأ هویتی

و نهادی می‌گردد که خود را در قالب انحطاط ساختارها، بی‌اعتمادی اجتماعی و سلطه‌پذیری سیاسی نشان می‌دهد. نهایتاً در اندیشه او، حکومت مطلوب، امانتی الهی در دست مردم است و هرگونه استبداد، فساد ساختاری، یا کنار گذاشتن نظارت عمومی، مقدمه فروپاشی سیاسی و اخلاقی آن خواهد بود (جمشیدی، بی‌تا).

بنابراین، در اندیشه اسلامی، دوام، ثبات و مشروعیت حکومت‌ها در گرو میزان انطباق آن‌ها با سنت‌های قطعی و تغییرناپذیر الهی است؛ سنت‌هایی که نه تنها جنبه فردی و اخلاقی، بلکه ابعاد اجتماعی، مدیریتی و سیاسی را نیز در برمی‌گیرند. بر اساس این رویکرد، جوامع سیاسی بسته به عملکرد خود در برابر این قوانین الهی، به‌طور طبیعی مشمول پاداش یا عقوبت تاریخی خواهند شد. از این منظر واکاوی فرایند زوال رژیم صهیونیستی در پرتو آموزه‌های قرآنی و روایی، نه فقط مستلزم تحلیل عملکردهای ظاهری و سیاسی این رژیم، بلکه نیازمند فهم ژرف از بنیان‌های ایدئولوژیک، اجتماعی و اخلاقی شکل‌گیری آن و میزان تعارض آن با نظم الهی و سنت‌های اجتماعی است؛ چراکه در منطق قرآنی، انحراف از این مسیر، بی‌تردید مقدمه‌ای بر نابودی و زوال خواهد بود.

### ۳. ماهیت مفهومی و تاریخی شکل‌گیری رژیم صهیونیستی

واژه «صهیون» در زبان عبری به معنای «کوه آفتاب‌گیر» یا «کوه خشک» است و ۹ بار در کتاب مقدس برای اشاره به شهر اورشلیم به‌کار رفته است. این واژه معمولاً به کوهی مقدس در جنوب غربی اورشلیم نسبت داده می‌شود که طبق متون دینی یهود، محل تولد حضرت داوود<sup>(ع)</sup> و آرامگاه فعلی او است (Groenewald, 2008: 358-359). در دوران معاصر، این واژه در ترکیب با پسوند «ایسم»، به‌عنوان نماد حمایت افراطی از تشکیل دولت یهود در فلسطین شناخته می‌شود.

اندیشه صهیونیسم در سده‌های اخیر تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله نگاه منفی مسیحیان به یهودیت، نژادپرستی، بحران‌های اقتصادی یهودیان در اروپا و ایدئولوژی‌های مدرن مانند داروینیسم و نیچه‌گرایی شکل گرفت. عواملی مانند ماجرای دریفوس<sup>۱</sup> و

<sup>۱</sup>. Dreyfus affair

بحران یهودیت خاخامی نیز به این روند دامن زدند. متفکرانی نظیر «زوی هیرش کالیشر»<sup>۱</sup>، «احد هاعام»<sup>۲</sup>، «مردخای مانوئل نوح»<sup>۳</sup>، «موشه هس»<sup>۴</sup>، «ناتان برنهام»<sup>۵</sup> و «تئودور هرتسل»<sup>۶</sup> این اندیشه را توسعه دادند. حتی لرد شافتسبوری، یک شخصیت غیریهودی، از تشکیل دولت یهود حمایت کرد. این تلاش‌ها، تحت حمایت غرب، به‌ویژه دولت‌های اروپایی، به‌عنوان راه‌حلی امپریالیستی برای رهایی از مسئله یهودیان در اروپا تعبیر می‌شد (Klug, 2009: 174-175).

اولین تلاش جدی برای عملی کردن این ایده از سوی مردخای مانوئل نوح، روزنامه‌نگار یهودی تبار آمریکایی، صورت گرفت. او ابتدا پیشنهاد تشکیل کشوری یهودی در «گرند آیلند نیویورک»<sup>۷</sup> را مطرح کرد، اما پس از شکست این طرح، بازگشت به سرزمین‌های فلسطین بر ویرانه‌های پادشاهی باستانی رژیم صهیونیستی<sup>۸</sup> را پیشنهاد داد (Weingrad, 2007: 75). موشه هس، فیلسوف یهودی تبار آلمانی-فرانسوی، این ایده را با تلفیق برخی مفاهیم کمونیستی گسترش داد و از تشکیل کشوری سوسیالیستی برای یهودیان حمایت کرد. ناتان برنهام، روزنامه‌نگار یهودی تبار اتریشی واژه «صهیونیسم» را برای توصیف این جنبش به کار برد و به‌طور رسمی آن را به معنای ناسیونالیسم افراطی یهودی و بازگشت یهودیان به فلسطین تعریف کرد (Eichler, 2023).

در ادامه، تئودور هرتسل، روزنامه‌نگار یهودی تبار اتریشی-مجارستانی، این جنبش را به‌عنوان یک ایدئولوژی سیاسی تثبیت کرد. او در جزوه‌ای با عنوان «کشور یهود»<sup>۹</sup> و سپس با تأسیس «سازمان جهانی صهیونیسم»<sup>۱۰</sup> در سال ۱۸۹۷، این ایده را به‌صورت رسمی پایه‌گذاری کرد. او تحت تأثیر تجربیات شخصی خود از تبعیض اروپاییان نسبت به یهودیان و همچنین اندیشه‌های برنهام و دیگر متفکران رادیکال یهودی قرار داشت (Hazony, 2009: 174-175).

1. Zvi Hirsch Kalischer

2. Ahad Ha'am

3. Mordecai Manuel Noah

4. Moses Hess

5. Nathan Birnbaum

6. Theodor Herzl

7. Grand Island, New York

8. Kingdom of Israel

9. Der Judenstaat

10. World Zionist Organization

37: 2000). پس از جنگ‌های جهانی و «بیانیه بالفور»<sup>۱</sup>، شرایط برای تحقق ایده صهیونیسم فراهم شد. در ۱۴ می ۱۹۴۸، رژیم صهیونیستی با حمایت قدرت‌های غربی، به‌ویژه بریتانیا، اعلام استقلال کرد و سازمان ملل متحد نیز یک سال بعد آن را به رسمیت شناخت. پس از این‌روند، اشغال سرزمین‌های فلسطینی و مهاجرت گسترده یهودیان به این مناطق تحت حمایت اندیشه صهیونیستی انجام شد.

در ادامه، رژیم صهیونیستی با اشغال مناطق فلسطینی، مانند کرانه باختری و غزه و همچنین مناطق خارجی مانند بلندی‌های جولان و صحرای سینا، سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود را گسترش داد؛ سیاست‌هایی که به کاهش شدید اعتبار داخلی و خارجی این رژیم در سال‌های گذشته انجامیده است. در همین راستا، برون‌داد نظرسنجی اخیر مؤسسه دموکراسی رژیم صهیونیستی در می ۲۰۲۴ دلالت بر کاهش شدید اعتبار سیاسی دولت نتانیاهاو به ۱۵ درصد و مردود بودن عملکرد این رژیم در شش مؤلفه «دیپلماسی عمومی»، «مناسبات با آمریکا»، «جنگ غزه»، «تقابل با حزب‌الله»، «اقدامات برای حمایت از شهروندان شهرک‌های اطراف نوار غزه» و «اقدامات برای حمایت از شهروندان شهرک‌های نوار شمالی» دارد (Hermann & Yohanani & Kaplan, 2024).

به‌صورت کلی، با نگاهی بر تحولات مذکور می‌توان نشانه‌هایی آشکار از زوال سیاسی رژیم صهیونیستی را به‌وضوح در قالب دو متغیر «زوال سیاسی درون‌زا» و «زوال سیاسی برون‌زا» تبیین نمود؛ زوال سیاسی درون‌زا اشاره به کاهش وجهه داخلی رژیم در نتیجه کنش‌های شهروندان علیه حاکمیت و به‌صورت کلی عوامل داخلی دارد؛ حال که زوال سیاسی برون‌زا به کاهش وجهه خارجی رژیم نزد ملت‌ها و نهادهای بین‌المللی و تشدید اصطکاک‌های دیپلماتیک و امنیتی با دولت‌ها و به‌صورت کلی عوامل خارجی تأثیرگذار بر امر زوال سیاسی اشاره می‌کند. در این میان با تجمیع مؤلفه‌های مضمحل‌کننده حاصل از متغیرهای فوق می‌توان زوال سیاسی رژیم مذکور را مبتنی بر ترکیبی از آیات و روایات قرآنی و حقایق عینی مورد تفسیر قرار داد؛ روندی که نقطه آغازین آن متمرکز بر تحلیل

1. Balfour Declaration

روند زوال سیاسی رژیم صهیونیستی بر مبنای سنت استخلاف به عنوان یک متغیر برونزا است.

#### ۴. زوال سیاسی بر اساس سنت استخلاف

در تحلیل زوال رژیم‌های سیاسی، سنت استخلاف به عنوان یک متغیر برونزا، نقش چشمگیری در فرایند فروپاشی رژیم‌ها ایفا می‌کند. به صورت کلی سنت الهی استخلاف در کالبد قرآن کریم وعده حکمرانی صالحان، مؤمنان و مستضعفان را بر زمین نوید می‌دهد و آن را امری حتمی می‌داند. این وعده، برخلاف فرایندهای درونی هر حکومت، به طور مستقیم از اراده الهی و تدابیر غیبی آن نشئت می‌گیرد. در واقع، بر اساس این سنت، هنگامی که یک رژیم از مسیر اصول اخلاقی و دینی منحرف می‌شود، از مشروعیت بازمی‌ماند و خداوند افرادی شایسته را به عنوان حاکمان جدید آن برمی‌گزیند و قدرت را از دست ستمگران و فاسدان می‌ستاند. این نوع تغییرات سیاسی، به عنوان عاملی بیرونی در نظر گرفته می‌شود که بر اساس اصول ربوبی و به وسیله نظامات مقدر شده از سوی خداوند، بر حکومت‌ها تحمیل می‌گردد.

مبتنی بر این سنت، آیه «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸)، به خوبی دلالت بر چشم‌انداز زوال تدریجی حکام بیدادگر از سوی قرآن کریم دارد. در همین راستا، مفسران واژه «ارض» در آیه مزبور را به سرزمین مصر، فلسطین و دنیا تفسیر کرده‌اند. در تفسیر «عاقبه» نیز فخر رازی سه وجه را بیان کرده است: نخست منظور صرفاً امر آخرت است؛ دوم منظور فقط امر دنیا است و پیروزی بر دشمنان در آن است؛ سوم منظور جمع هر دو، یعنی هم امر دنیا و هم امر آخرت است. همچنین در تفسیر کلی از آیه مزبور آمده است که در حقیقت این آیه نقشه و برنامه‌ای است که خداوند به حضرت موسی<sup>(ع)</sup> و بنی اسرائیل جهت مقابله با تهدیدهای فرعون پیشنهاد می‌کند و در آن علاوه بر تشریح شرایط پیروزی بر دشمن، به آن‌ها گوشزد می‌کند که اگر برنامه‌ای سه ماده‌ای را عملی کنند، قطعاً به دشمن پیروز خواهند شد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۴: ۳۴۱). مفسران سه شرط مطرح شده در آیه مذکور را این‌گونه بیان می‌دارند: یکی استعانت جستن از خدا که در زمینه عقیده است؛ دیگری،

صبر و استقامت که در حوزه اخلاق است و سومی، تقوی و پرهیزکاری که در زمینه عمل است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸۳).

همچنین برخی از مفسران گفته‌اند که در این آیه حضرت موسی<sup>(ع)</sup> دو سنت خداوند را به بنی‌اسرائیل یادآوری کرده است: نخست اینکه زمین از آن خداست و آن را به هر کس که بخواهد به ارث می‌دهد. به عبارت دیگر، حکومت در دستان خداست و چنین نیست که فرعون یا هر حاکم ستمگر دیگری [حتی به ظاهر توانمند] همیشه در حکومت بماند. دوم اینکه فرجام نیک از آن پرهیزگاران است و مؤمنان در نهایت بر کافران پیروز و حق بر باطل چیره خواهد گشت (طباطبایی، ۱۳۵۲، ج ۸: ۲۲۴). البته در آیات دیگری از قرآن کریم، مانند «اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آل عمران: ۱۰۳) و «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال: ۴۶) بر حفظ وحدت و دوری از نزاع و کشمکش، به عنوان عامل دیگری برای پیروزی بر دشمنان تأکید شده است. در تفسیر آیه اخیر نیز امام خمینی<sup>(ره)</sup> می‌فرماید: «رنگ و بوی ایمان و اسلام که اساس پیروزی و قدرت است با تنازع و دسته‌بندی‌های موافق یا هواهای نفسانیه و مخالف با دستور حق تعالی زدوده می‌شود و اجتماع در حق و توحید کلمه و کلمه توحید که سرچشمه عظمت امت اسلامی است، به پیروزی می‌رسد» (اسماعیل‌آبادی، ۱۳۷۸: ۲۲۷).

در این میان، آیات دیگری نیز ناظر بر سنت وراثت اهل حق بر زمین هستند (مرادخانی، ۱۳۹۴: ۱۲۲) که از جمله آن‌ها می‌توان از «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵) یاد نمود. همچنین آیه «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵) و آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...» (نور: ۵۵)، از جمله دیگر آیات مطرح در این زمینه می‌باشند. اگرچه مصداق اولیه و شأن نزول برخی از این آیات، غلبه بنی‌اسرائیل بر فرعونیان عنوان شده (منبع)، اما در برخی روایات، مصداق اصلی آن وراثت زمین توسط صالحان جهان دانسته شده است که

در رأس آنان، ائمه<sup>(ع)</sup> قرار دارند (کلینی، ۱۴۰۷، ۱:۳۰۶؛ صدوق، ۱۴۰۳: ۷۹؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۱۸۴).

در بررسی تطبیقی آیات فوق و سنت استخلاف با شرایط امروزی رژیم صهیونیستی می‌توان به‌نوعی بر بازتولید زمانه حیات حضرت موسی<sup>(ع)</sup> در مصر و بیدادگری‌های فرعون آن عصر علیه بنی‌اسرائیل صحنه گذارد؛ به‌گونه‌ای که کنش‌های جزم‌اندیشانه رژیم صهیونیستی در طی دهه‌های متمادی علیه ملت فلسطین که همواره به‌صورت رسمی نیز از سوی نهادهای بین‌المللی مبتنی بر عرف و کنوانسیون‌های جهان‌شمول محکوم گردیده است، به‌خوبی دلالت بر بیدادگری عینی حکام این رژیم و عدم ایمان به گفتار الهی، حتی در کتب مقدس یهود، دارد. بی‌تردید کشتار افراد غیرنظامی، بهره‌گیری از سلاح‌های غیرمتعارف و توسل به تروریسم دولتی علیه کشورهای مسلمان، در تعارضی آشکار با سه مفهوم «صالح»، «مؤمن» و «مستضعف» به‌عنوان مفاهیم بنیادین مطرح در سنت استخلاف جهت حاکمیت بندگان خداوند است (حامد مقدم، ۱۳۸۷: ۹۹)؛ بنابراین می‌توان به‌جرت بیان داشت که سردمداران رژیم صهیونیستی، به نمادی به‌روز شده از «رامسس دوم»<sup>۱</sup>، فرعون پادشاهی نوین مصر تبدیل گشته‌اند؛ فرعونی که بنا به اعتقاد طیفی از مورخین شاخص همچون «محمد بومی مهران»<sup>۲</sup>، مورخ برجسته مصری و شماری از اسناد تاریخی مصری و کتاب مقدس، هم عصر با تحولات نژادی-مذهبی حضرت موسی<sup>(ع)</sup> و قوم وی در مصر تحت عنوان «داستان خروج» بوده است (Isbouts, 2014).

در این میان با عقوبت سنجی دوره فراعنه در مصر و بیدادگری‌شان در برابر دستورات الهی و هم‌سنجی آن با کنش‌های مشابه رژیم صهیونیستی در عصر کنونی می‌توان دریافت که عقوبت سیاسی این رژیم با عنایت به سنت الهی، قطعی و تخلف‌ناپذیر استخلاف، آن‌چنان ناهمگون با دوره فراعنه نخواهد بود. در حقیقت با نظر به فراهم بودن نسبی اسباب، علل و شروط پیروزی مبتنی بر آیات ذکر شده، انحطاط رژیم صهیونیستی در آینده‌ای نه‌چندان دور به‌نوعی از سوی قرآن کریم پیش‌بینی گردیده است. در این‌بین باید اشاره داشت که با توجه به سنت استخلاف، پیروزی مستضعفان بر مستکبران مشروط به

1. Ramesses II

2. Muhammad Bayyumi Mahran

شروطی از جمله استعانت جستن از خدا، صبر، استقامت، تقوی، پرهیزکاری، حفظ وحدت و دوری از نزاع و کشمکش است؛ بنابراین با تحقق مؤلفه‌های فوق، بازپس‌گیری اراضی اشغالی توسط فلسطینیان به‌عنوان مستضعفین زمانه و اضمحلال رژیم صهیونیستی به‌عنوان مستکبرین زمانه به امری حتمی خواهد بود.

### ۵. زوال سیاسی به‌واسطه فساد حاکمیتی و ارضی

فساد حاکمیتی و ارضی از مهم‌ترین مصادیق عوامل درون‌زایی به شمار می‌رود که به‌طور ساختاری، زمینه‌ساز فروپاشی مشروعیت و ناکارآمدی رژیم‌ها می‌شود. این نوع فساد، نه صرفاً در سطح رفتار فردی کارگزاران، بلکه در ساحت نهادی و ساختاری حاکمیت رخ می‌دهد؛ جایی که منافع خصوصی بر مصالح عمومی تقدم می‌یابد، نظام سیاسی در خدمت انحصار قدرت و ثروت قرار می‌گیرد و سرزمین به‌جای مأمّن عدالت و امنیت، به بستر تبعیض و سرکوب بدل می‌شود (Hussmann & Dix & Walton, 2012: 3-4). در چنین شرایطی، حاکمیت به‌جای ایفای نقش امانت‌دارانه، به اهرم سلطه مبدل می‌شود و نسبت خود را با مردم، عدالت و اصول الهی از دست می‌دهد. بر این اساس، فساد حاکمیتی نه‌فقط یک بحران مقطعی، بلکه یک خصیصه ذاتی و درونی است که به‌تدریج بنیان‌های بقا را در آن می‌فرساید و مسیر زوال را از درون هموار می‌سازد.

در همین راستا و از منظر عینی می‌توان از دریافت رشوه، اختلاس، قاچاق، انتصاب افراد در محافل قدرت مبتنی بر قرابت‌های شخصی و در نهایت اعمال آسیب روحی و جسمی یا تعرض به دیگری به‌واسطه مطلوبیت‌های ذهنی و غریزی به‌عنوان مصادیقی عینی از فساد در نظام‌های سیاسی یاد نمود؛ بنابراین بدیهی است که فساد در مخلص کلام به معنای «سوءاستفاده از قدرت» باشد (Amundsen, 1999: 2-3). در همین راستا و به‌منظور تعمیم مفهوم فوق به رژیم صهیونیستی و ماهیت تاریخی- مذهبی آن مبتنی بر آیات قرآنی و روایات اسلامی و همچنین، تشریح نامطلوبی فساد از دیدگاه پروردگار می‌توان از موارد متعددی یاد نمود.

به‌عنوان نمونه، آیه ۴ سوره اسراء بیان می‌دارد: «وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا» (اسراء: ۴)؛ با تأملی اندک در معنای این آیه،

می‌توان دریافت که خداوند از دو فساد بزرگ قوم بنی‌اسرائیل صحبت به میان آورده است. مفسران و مورخان وقایع متعددی را مصداق این دو فساد ذکر کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان از مخالفت با ارمیا<sup>(ع)</sup>، قتل اشعیا<sup>(ع)</sup>، زکریا<sup>(ع)</sup> و یحیی<sup>(ع)</sup> همچنین، قصد به کشتن حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> نام برد (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۳۲۹). اما در ارتباط با کیفر مفسد فوق، آیه ۵ سوره اسرا «فَإِذَا جَاءَ وَعَدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا» (اسرا: ۵)، آشکارا از نزول عذاب الهی بر بنی‌اسرائیل بشارت می‌دهد. در این میان، شماری از مفسرین وقایعی همچون حمله بخت‌النصر به بنی‌اسرائیل، نابودی اورشلیم و معبد سلیمان و به زنجیر کشیدن افراد این قوم را به‌عنوان مجازات مفسد فوق ذکر کرده‌اند (بیضاوی، ۱۴۱۸، ۳: ۲۴۸). همچنین، محمدجواد مغنیه، عالم و مفسر شیعی از برخی نقل می‌کند که فساد دوم بنی‌اسرائیل در حقیقت همان وقایع کنونی در سرزمین فلسطین است که یهودیان در پرتو آن بر مسلمانان ظلم و تعدی گسترده‌ای روا داشته و خداوند به‌مانند گذشته آن‌ها را مجازات خواهد کرد (مغنیه، ۱۴۲۴: ۱۶).

فارغ از مصداق قرآنی در جهت اطلاق فساد به بنی‌اسرائیل، این کتاب آسمانی به‌کرات و در کلیت نیز از فساد به‌عنوان کنشی به‌شدت ناپسند از دیدگاه خداوند یاد کرده است. به‌عنوان نمونه، آیه «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵) ماحصل حکومت ناهلان در زمین را در توسل آن‌ها به فعالیت‌های مفسدانه تشریح نموده است و بر عدم پذیرش این امر از سوی خداوند تأکید می‌ورزد. حضرت علی<sup>(ع)</sup> این هلاکت را به‌واسطه ظلم و سوء رفتار عنوان کرده و امام صادق<sup>(ع)</sup> معنای حرث را «دین» نامیده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ۸: ۲۸۹). به عبارتی در روایات ائمه<sup>(ع)</sup> حکومت ناهلان تلاشی از سر ظلم برای نابودی دین انسان‌ها عنوان شده است. نمونه دیگر این تفسیر را می‌توان در بخشی از آیه ۶۴ سوره مائده، «...كَلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (مائده: ۶۴)، مشاهده نمود؛ آیه‌ای که بار دیگر بر کنش‌ورزی‌های مفسدانه یهودیان در دوران صدر اسلام و مقابله خداوند با این فعالیت‌ها تأکید ورزیده است. در نهایت، آیه «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا

فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص: ۴) بر بُعد دیگری از مفهوم فساد از دیدگاه خداوند، یعنی اعمال آسیب به دیگری به واسطه سازه‌های خاص ذهنی (مقابله با ظهور حضرت موسی<sup>(ع)</sup>) از طریق کشتار بنی‌اسرائیل) تأکید می‌ورزد؛ روندی که با مطالعه سیر حیات فرعون آن عصر، همانگونه که پیش‌تر اشاره گردید، برابندی جز زوال و نابودی وی را به دنبال نداشت.

به‌صورت کلی، آیات فوق، آشکارا از جنگ‌افروزی، قتل و مخالفت با فرمان خداوند در کالبد تلاش برای اعمال آسیب بر فرستادگان او به‌عنوان نموده‌هایی عینی از فساد یاد کرده‌اند؛ مواردی که با تأکید بر واکنش از سوی خداوند در جهت کیفر عاملین فساد بر روی زمین نیز توأم گردیده است. مبتنی بر این نمودها و همچنین دیگر تعاریف مطرح از فساد می‌توان از دو کنش مفسدانه از سوی رژیم صهیونیستی در دو سطح متفاوت (داخلی و خارجی) در جهت تطبیق آیات مذکور با این رژیم یاد نمود: ۱. فساد حاکمیتی؛ ۲. فساد ارضی.

فساد حاکمیتی به‌عنوان مورد نخست، اشاره به فعالیت‌های مفسدانه مقامات حاکمیتی رژیم صهیونیستی [در انواع مختلف آن] از بدو تأسیس این رژیم تا به امروز دارد. از جمله مصادیق این فساد در بُعد مالی می‌توان از پرونده «هولی لند»<sup>۱</sup> (پول‌شویی و رشوه‌خواری گسترده در کالبد روند ساخت مجتمعی ساختمان‌های در قدس) و درگیری مقاماتی همچون «ایهود اولمرت»<sup>۲</sup>، نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی و طیف گسترده‌ای از مقامات رژیم صهیونیستی در آن همراه با محکومیت‌های قضایی این افراد یاد نمود (Crowcroft, 2014)؛ روندی که به‌کرات برای دیگر مقامات بلندپایه این رژیم و خانواده‌هایشان همچون «آریل شارون»<sup>۳</sup>، نخست‌وزیر اسبق رژیم صهیونیستی و فرزندان وی (دریافت رشوه‌های انتخاباتی در دهه ۱۹۹۰) (Irish Examiner, 2006)، نتانیا‌هو، نخست‌وزیر کنونی رژیم صهیونیستی و همسر او (پرونده‌های موسوم به ۱۰۰۰، ۲۰۰۰، ۳۰۰۰ و ۴۰۰۰) و «اریه درعی»<sup>۴</sup> وزیر امور

1. Holyland Case

2. Ehud Olmert

3. Ariel Sharon

4. Aryeh Deri

داخلی اسبق رژیم صهیونیستی (پرونده رشوه و کلاهبرداری در دهه ۱۹۹۰) نیز اتفاق افتاده است (Liebermann, 2017)؛ (Joseph & Kingsley, 2023). فارغ از بُعد مالی، در بُعد غریزه شخصی نیز می‌توان از پرونده‌های فساد جنسی مقاماتی همچون «موشه کاتساو»<sup>۱</sup>، رئیس‌جمهور اسبق رژیم صهیونیستی و طیف گسترده‌ای از نمایندگان کنست و فرماندهان نظامی رژیم صهیونیستی یاد نمود (Heller, 2011).

فارغ از مفاسد مزبور که در سطح حاکمیتی نشان از رخنه نمودن مصادیق مفسدانه در ساختار بوروکراتیک رژیم صهیونیستی دارد، فساد ارضی به‌عنوان مورد دوم نیز بُعد دیگری از عینیت‌بخشی به فساد در ابعادی فراتر از کنش‌های فردی را به نمایش گذاشته است؛ فسادى که منظور از آن، اشغال سرزمینی، جنگ‌افروزی و توسل به سیاست مبتنی بر جبر دیگر ملت‌ها به پذیرش ماهیت وجودی رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک کشور است. در همین راستا، رژیم صهیونیستی پس از عضویت رسمی در سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۷، ماهیت توسعه‌طلبانه خود را با عدول مکرر از قطعنامه ۱۸۱ این سازمان به منصفه ظهور گذاشته است؛ قطعنامه‌ای که مبتنی بر آن، حدود ۵۷ درصد از اراضی قیمومیت فلسطین به‌طور رسمی به‌عنوان خاک رژیم صهیونیستی پذیرفته شد و اداره اورشلیم نیز جلوه‌ای بین‌المللی بر خود گرفت (Imseis, 2021: 13). حال که به‌دوراز قطعنامه مذکور، رژیم صهیونیستی به‌مرورزمان در کالبد جنگ‌های متعدد پس از جنگ شش‌روزه در سال ۱۹۶۷، بخش‌های گسترده‌ای از اراضی رسمی فلسطین (۴۵ درصد باقی‌مانده) را به اشغال خویش درآورد. فارغ از اراضی مزبور، انضمام جبری قدس شرقی، شهرک‌سازی‌های گسترده در اراضی اشغالی، انتقال جبری فلسطینیان به اردن، اشغال بلندی‌های جولان به‌عنوان بخشی از خاک سوریه و حمله وسیع به غزه در اکتبر ۲۰۲۳ نیز در زمره دیگر فعالیت‌های اشغال‌گرایانه رژیم صهیونیستی تلقی می‌گردد؛ فعالیت‌هایی که فارغ از کشورهای اسلامی، محکومت گسترده سازمان‌هایی همچون ملل متحد (قطعنامه ۲۳۳۴ شورای امنیت)، دادگاه‌های بین‌المللی (نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در ۱۹ جولای ۲۰۲۴) و

<sup>1</sup>. Moshe Katsav

حتی هم‌پیمانان سیاسی این رژیم همچون ایالات متحده، بریتانیا، آلمان و دیگر کشورهای اروپایی را به همراه داشته است.

در مجموع، تفسیر عقوبت توسل به دو الگوی مزبور از فساد (در دو سطح خرد و کلان) در کالبد عملکرد مسئولان رژیم صهیونیستی در عرصه داخلی و فعالیت‌های جنگ‌طلبانه این رژیم در عرصه خارجی، در قامت هیچ واژه‌ای جز نیل به «زوال سیاسی» نمی‌گنجد؛ چرا که نه تنها این زوال آشکارا به‌عنوان وعده‌ای از سوی پروردگار در واکنش به کنش‌های فسادآمیز بیان گردیده است، بلکه به‌کرات در تاریخ سیاسی بشر نیز عینیت یافته است. بنابراین، سرنوشت نهایی رژیم صهیونیستی با نظر به فعالیت‌های مفسدانه طیف کثیری از مقامات عالی خود، در ترکیب با سیاست خارجی جنگ‌طلبانه در برابر کشورهای خاورمیانه، در نهایت ماحصلی جز گسست اجتماعی از درون و واگرایی سیاسی - فرهنگی از بیرون را به دنبال نخواهد داشت.

## ۶. زوال سیاسی در پرتو کاهش مشروعیت ملی و بین‌المللی

کاهش مشروعیت ملی و بین‌المللی را می‌توان متغیری دوساحتی و پیچیده دانست که هم‌زمان از عوامل درون‌زا و برون‌زا تأثیر می‌پذیرد. در بُعد درون‌زا، ناکارآمدی ساختارهای حکمرانی، دوری از عدالت اجتماعی، شکاف میان حاکمان و مردم، سرکوب آزادی‌ها و تضییع حقوق مدنی، مشروعیت داخلی رژیم را تضعیف کرده و آن را در برابر بحران‌های داخلی آسیب‌پذیر می‌کند. در بُعد برون‌زا، نقض قواعد حقوق بین‌الملل، تجاوز به حقوق ملت‌ها و عدم تطابق با معیارهای جهانی، جایگاه بین‌المللی رژیم را مخدوش ساخته و موجب انزوای ژئوپلیتیکی و کاهش تعاملات راهبردی آن می‌شود. در نتیجه، کاهش مشروعیت در این دو سطح، روندی ترکیبی و تشدیدشونده ایجاد کرده و با تضعیف پشتوانه‌های داخلی و خارجی، مسیر زوال سیاسی رژیم را تسریع می‌سازد (Harfst & Wiesner, 2024: 2-3).

به‌صورت کلی نیز از منظر تعریف سیاسی، مشروعیت به‌عنوان متغیری درون و برون‌زا (دو وجهی) به معنای «رضایت اغلب افراد یک جامعه از مرجع سیاسی قدرت و باور قلبی

آنان به لزوم وجود و استمرار آن» است؛ به عبارت دیگر، مشروعیت سیاسی به معنای «قانونی بودن موجودیت یک نظام سیاسی یا دولت و حق اعمال قدرت توسط آن از نگاه قاطبه ملت» است (حسینی‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۲۸-۳۲۹). بدیهی است که در صورت اهتمام به تعریف این واژه در ابعادی فراتر از مرزهای ملی یک کشور، مشروعیت سیاسی به معنای پذیرش نظام سیاسی یک کشور یا از اساس، موجودیت یک کشور، از سوی دیگر کشورها و نهادهای بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد تعریف می‌گردد (Coicaud, 2019: 462). به صورت کلی، مشروعیت سیاسی از آغاز شکل‌گیری دولت‌ها، همواره یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای ایجاد و استمرار نظام‌های سیاسی بوده است. کاهش مشروعیت، چه بر مبنای شاخص‌های نرم مانند انتخابات و چه سخت مانند شورش‌های خیابانی، معمولاً به‌عنوان نخستین نشانه‌های انحطاط نظام‌های سیاسی تلقی می‌شود (Blanco-González & Payne & Prado, 2019: 126).

فارغ از جنبه عینی مزبور که دلالت بر تثبیت فلسفه پسا نوزایی «حق حاکمیت مردم» در عصر کنونی دارد، مشروعیت سیاسی از منظر قرآن جنبه‌ای الهی داشته و به حق حاکمیت بی‌قید و شرط پروردگار بر انسان‌ها اشاره دارد. تعریف فوق که در وجوه مختلفی نیز [در عین برخی تعارضات] در قرابت با فلسفه فوق و مفهوم دموکراسی قرار دارد، بیان می‌کند که نظام‌های سیاسی می‌بایست به‌منظور برخورداری از مشروعیت، ۱. با توسل به سنت‌ها و گفتار الهی (دینی) اداره گردند؛ ۲. اصل مشورت و عدالت محوری را سرلوحه عملکرد خود قرار دهند؛ ۳. از ظلم، ستم و ایجاد ترس برای بی‌گناهان به دور باشند؛ ۴. آزادگی انسان‌ها و اختیارشان در تعیین سرنوشت خود را محترم بشمارند و ۵. حق ملت در نقد حاکمیت و مشارکت در امور حکومتی را بپذیرند (سلیمان نژاد، ۱۳۷۹)؛ بنابراین قرآن کریم آشکارا مفهوم مشروعیت را به حکومتی اطلاق نموده است که در عین برخورداری از ساختاری دین‌محور (به‌عنوان کلام پروردگار) و مبتنی بر اصول قانون مداری، آزادمندی و اختیار انسان در تعیین سرنوشت خود در کالبد این ساختار را محترم شمرده و رضایت‌مندی عموم ملت را در حکومت‌داری مدنظر قرار دهد.

در همین راستا و مبتنی بر اصول پنج‌گانه مذکور می‌توان از نمودهای بارزی در آیات قرآن کریم یاد نمود؛ به‌عنوان نمونه و در راستای اصل نخست می‌توان از آیه «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ...» (نساء: ۱۰۵) یاد نمود؛ آیه‌ای که از منظر تفسیری صرفاً دلالت بر جنبه قضاوت میان افراد ندارد و مراد از آن، کاربست قوانینی متقن (از منظر حاکمیتی) به‌منظور اداره جامعه مبتنی بر اصول الهی است. این مسئله در بیان امام صادق<sup>(ع)</sup> تحت عنوان تفویض امور به پیامبر اکرم و ائمه<sup>(ع)</sup> در اداره جامعه عنوان شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۱:۲۶۷).

در ارتباط با اصل دوم، آیه «...وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ...» (شوری: ۳۸) و همچنین، آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ...» (نساء: ۵) را می‌توان به‌عنوان نمودی از لزوم به‌کارگیری مشورت و توسل به اصل عدالت، هرچند در صورت متضرر شدن منافع خویش، مطرح نمود؛ اصلی که به‌طور مکرر نیز در بیانات معصومان<sup>(ع)</sup> مورد اشاره قرار گرفته است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۲:۳۴، باب الإنصاف و العدل؛ ۹۷:۷۲).

در ادامه و در قرابت با اصل سوم، آیه «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (شوری: ۴۲) مطرح گردیده است. ترکیب آیه مزبور با حدیث امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup>، «شَرُّ الْوَلَاةِ مَنْ يَخَافُهُ الْبَرَاءُ» (تمیمی: ۴۰۹:۱۴۱۰) به معنای «بدترین حکمرانان، کسی است که بی‌گناه از او بترسد»، تفسیری جز آشکار نمودن عقوبت منحن حکومت‌هایی که از ظلم و ستم به‌مثابه اهرمی در جهت وحشت‌آفرینی در جامعه علیه بی‌گناهان بهره‌برداری می‌نمایند، به دنبال ندارد. نامه پربار امام علی<sup>(ع)</sup> به مالک اشتر، آکنده از آموزه‌هایی است که ضرورت رعایت حقوق بندگان خدا و پرهیز از ظلم را گوشزد می‌کند. در یکی از این بیانات، آن حضرت با صراحت می‌فرمایند: «هر کس بر بندگان خدا ستم روا دارد، خداوند خود، خصم او خواهد بود نه بندگان؛ و هر که خداوند دشمن او گردد، حجت او را باطل و بی‌اثر خواهد ساخت» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۴۲۸). از منظر امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>، مشروعیت همواره در گرو برخورداری از حجت استوار است. بر این اساس، سقوط حجت، به‌منزله زوال مشروعیت

ظالم خواهد بود. از این رو، ظلم نه تنها موجب سلب رضایت الهی، بلکه باعث فروریختن بنیاد مشروعیت حاکمیت نیز خواهد شد.

در ارتباط با اصل چهارم نیز می‌توان از آیه «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳) و حدیث «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَدَمَ لَمْ يَلِدْ عَبْدًا وَلَا أُمَّةً وَ إِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَحْرَارٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۸: ۶۹) از حضرت علی<sup>(ع)</sup> یاد نمود؛ مواردی که آشکارا بر عدم امکان توسل به جبر انسان به پذیرش طریقت زندگی، حتی طریقت الهی و آزادی وی در تصمیم‌گیری برای خویشتن تأکید ورزیده‌اند.

در نهایت و در پرتو اصل پنجم، آیه شریفه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (آل عمران: ۱۰۴)، به روشنی بر ضرورت حضور فعال و هدایت‌گر مردم در عرصه‌های اجتماعی و حکومتی دلالت دارد. افزون بر آن، روایات متعددی نیز درباره حق رعیت بر امام وارد شده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۷: ۲۴۲) که از مهم‌ترین مصادیق آن می‌توان به حق نقد حاکمیت، ارائه مشورت و ارشاد زمامداران اشاره کرد. در این میان، تفسیر دو آیه فوق مبتنی بر مبحث مشروعیت سیاسی مدرن بدین‌گونه قابل‌بیان است: در جهت اداره مطلوب و الهی جامعه و هدایت آن به فعالیت‌های شایسته و منع ملت از توسل به کنش‌های نامطلوب نسبت به خویشتن و دیگران، گروهی از افراد می‌بایست از سوی همان جامعه برگزیده شوند و وظایف فوق را به‌جای آورند. در این بین، افراد برگزیده به‌هیچ‌عنوان نباید خود را مبرا از اشتباه دانسته و علاوه بر پذیرش نقد ملت نسبت به خویش، می‌بایست نظر آن‌ها را در حکومت‌داری مورد توجه قرار دهند.

حال مبتنی بر گزاره‌های فوق و در ارتباط با مشروعیت‌سنجی رژیم صهیونیستی در ابعاد ملی می‌توان از پنج منظر به تحلیل این موضوع پرداخت. در وهله نخست این سؤال مطرح می‌گردد که آیا گفتارهای الهی در اداره این رژیم مورد توجه قرار گرفته‌اند؟ با نظری اندک بر تبلور طیف کثیری از قوانین متعارض با سنن ادیان ابراهیمی در این رژیم، از جمله تصویب قانون حمایت از همجنس‌گرایان در سال ۱۹۸۸ و قانونی نمودن حضور همجنس‌گرایان در ارتش رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۱۳، می‌توان بر عدم توجه به این امر

صحه گذارد (Snellings, 2019: 28-29). در وهله دوم، مسئله مشورت و عدالت‌محوری مطرح گردیده که در پرتو آن می‌توان از شکاف‌های اجتماعی موجود در جامعه رژیم صهیونیستی و تبعیض‌های صورت‌گرفته علیه یهودیان خارج از دایره اشکنازی‌ها و سفاردی‌ها قرار گرفته‌اند، همچون «مзраحی‌ها»<sup>۱</sup> (یهودیان شرقی تبار) و «فلاشاه‌ها»<sup>۲</sup> (یهودیان اتیوپی تبار) صحبت نمود؛ روندی که فارغ از اعمال محدودیت جهت حضور این افراد در رده‌های حاکمیتی و نتیجتاً عدم توسل به مشورت با عامه جامعه، گه‌گاه در کالبد واگرایی‌های عینی همچون تظاهرات گسترده جولای ۲۰۱۹ در واکنش به مرگ «سلیمان تکا»<sup>۳</sup> اتیوپی تبار توسط پلیس رژیم صهیونیستی جنبه عمل بر خود گرفته است (Deveci, 2019).

در این میان و در وهله سوم، مسئله عدم اتکا به ظلم و ستم علیه بی‌گناهان مطرح گردیده که این امر آشکارا ذهنیت‌ها را به سمت‌وسوی وضعیت فجیع فلسطینیان ساکن در سرزمین‌های اشغالی سوق می‌دهد؛ جایی که ضرب و شتم فلسطینیان، دستگیری و حبس زنان و کودکان و تخریب منازل و مزارع کشاورزی، بنا به گزارش نهادهایی همچون شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر، به امری روزمره مبدل شده و به‌مثابه جنایت علیه بشریت تلقی می‌گردد (Amnesty International, 2024; HRW, 2024). در همین راستا و در وهله چهارم که تبیین‌گر حق تعیین سرنوشت و آزادگی تمامی انسان‌ها است، رژیم صهیونیستی بنا به اظهارات مقامات خود، از اساس حق فلسطینیان در برخورداری از کشوری مستقل برای خویشتن، حتی در صورت پذیرش موجودیت سیاسی رژیم صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسد؛ این امر در واکنش‌های حاصل از سلسله «پیمان‌های اسلو»<sup>۴</sup> که در آن رژیم صهیونیستی صرفاً موافقت خود را با استقرار سازمان آزادی‌بخش فلسطین به‌عنوان یک سازوکار اداری [و نه یک کشور مستقل]، آن هم به‌صورت موقت، در بخش‌هایی از سرزمین‌های اشغالی فلسطین ذیل حاکمیت کلان رژیم صهیونیستی اعلام نمود، آشکار گردیده است (غفاری فر، ۱۳۸۷: ۱۹۵-۱۹۶). روندی که در ادامه با مخالفت‌های شدید مقامات رژیم صهیونیستی همچون

1. Mizrahi Jews

2. Beta Israel

3. Solomon Teka

4. Oslo Accords

نتانياهو با عضویت ناظر دولت فلسطین در نوامبر ۲۰۱۲ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد (قطعنامه ۶۷/۱۹) (رضازاده و رنجریان، ۱۳۹۸: ۷۸) و سپس، تصویب قطعنامه عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل متحد در می ۲۰۲۴ در مجمع عمومی و واکنش رادیکالیستی «گیلعاد اردان»<sup>۱</sup>، سفیر رژیم صهیونیستی در مجمع عمومی در قالب خرد کردن منشور ملل متحد در صحن این مجمع، همراه شد.

در نهایت و در وهله پنجم، مسئله حق نقد حاکمیت و مشارکت در امور حاکمیتی مطرح گردیده که می‌توان از نمودی عینی در نقض این موضوع در کالبد طرح موسوم به اصلاحات قضایی<sup>۲</sup> یاد نمود؛ طرحی که از سوی دولت نتانياهو در سال ۲۰۲۳ به منظور اعمال محدودیت برای قوه قضاییه و دیوان عالی در اعمال کنترل‌های حقوقی بر دولت مطرح و با واکنش شدید طبقات مختلف جامعه و در پرتو آن، سرکوب گسترده اعتراضات توسط پلیس رژیم صهیونیستی و آناشیسست خواندن معترضان توسط نتانياهو همراه شد (Knell, 2023). فارغ از این موضوع نیز می‌توان از تصویب قانونی توسط کنست موسوم به «قانون شفافیت سازمان‌های غیرانتفاعی»<sup>۳</sup> یاد کرد که هدف از آن بر طبق گفته مقامات رژیم صهیونیستی، افشای منابع مالی خارجی NGO ها بوده است؛ حال که این امر با عدم پذیرش از سوی جامعه مدنی رژیم صهیونیستی، کشورهای غربی و کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد همراه گردیده و بنا به گفته آن‌ها، این قانون جهت تحت فشار گذاشتن گروه‌های منتقد حاکمیت و محدودیت آزادی بیان است (Cohen, 2018).

در ارتباط با ابعاد بین‌المللی نیز، مشروعیت این رژیم به واسطه نحوه تأسیس آنکه در پرتو جبر یک ملت مسلمان در منطقه‌ای اسلامی به عدول از حق خویش در برخورداری از کشوری اسلامی صورت پذیرفته است، همواره در هاله‌ای از ابهام قرار داشته است؛ به‌گونه‌ای که موجودیت دوزور رژیم صهیونیستی جز از سوی نظام‌های سیاسی ترکیه، اردن، مصر، امارات، بحرین و جمهوری آذربایجان، از سوی قاطبه کشورهای جهان اسلام و حتی شماری از کشورهای آمریکای مرکزی و لاتین مورد پذیرش قرار نگرفته است. این روند در حالی است که رژیم صهیونیستی همواره در طی دهه‌های اخیر در پرتو قدرت

1. Gilad Erdan

2. Israeli judicial reform

3. NGO Transparency law

رسانه‌ای به منظور خشتی‌سازی واگرایی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌عنوان الگویی از دموکراسی در خاورمیانه معرفی گردیده است.

فارغ از موارد مذکور، سنجش مشروعیت رژیم صهیونیستی در عرصه نظام بین‌الملل، آن هم در پرتو عملکرد حامیان بالفعل این رژیم، مبین نکات حائز اهمیت است. مبتنی بر این امر می‌توان از عملکرد سال‌های اخیر ایالات متحده، به‌ویژه دولت دموکرات بایدن، به‌عنوان بزرگ‌ترین پشتیبان مادی (ارسال گسترده سلاح، فناوری نظامی و کمک‌های اقتصادی) و معنوی (وتوی قطعنامه‌های ضد رژیم صهیونیستی و تحریم دشمنان آن) و شماری از کشورهای اروپایی یاد نمود (UN Press, 2024). عملکردی که در پرتو کنش‌های متعارض رژیم صهیونیستی نسبت به قوانین عرفی و آمره بین‌المللی، همچون شهرک‌سازی‌های غیرقانونی در اراضی فلسطینی و آسیب‌رسانی به غیرنظامیان در مقاطع مختلف و در الگوهای متنوعی همچون جنایت جنگی و نسل‌کشی، از منظر حمایتی با کاهش معناداری نسبت به گذشته همراه بوده است (Ducourtieux, 2024; Jones, 2024).

نمونه‌ای از این روند را می‌توان در قالب واکنش‌های دیپلماتیک ایالات متحده نسبت به لغو بخش‌هایی از «قانون پیاده‌سازی برنامه خروج»<sup>۱</sup> مصوب سال ۲۰۰۵ توسط کنست [در اوایل سال ۲۰۲۳] که امکان بازگشت شهرک‌نشینان به شهرک‌های ساخته شده در اراضی اشغالی شمال کرانه باختری را فراهم می‌آورد، مشاهده نمود. در همین راستا وزارت خارجه آمریکا، «مایک هرتزوغ»<sup>۲</sup>، سفیر رژیم صهیونیستی در ایالات متحده را در مارس ۲۰۲۳ به وزارت امور خارجه احضار کرد (Mraffko, 2023). همچنین در ارتباط با طرح اصلاحات قضایی و سرکوب معترضان توسط نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی، بایدن در طی سخنانی از نتانیاهو خواست تا در تصمیم خود بازنگری کند؛ سخنانی که با واکنش نتانیاهو و تأکید وی بر عدم تأثیرپذیری از فشارهای خارجی، حتی از سوی بهترین دوستان، همراه گردید (Sanchez & Lederman, 2023). تلفیق موارد مزبور با محکومیت‌های مقامات اتحادیه اروپا و کشورهای همچون ایرلند، نروژ، دانمارک و اسپانیا نسبت به کشتارهای گسترده در غزه و لبنان و همچنین تلاش مادرید به‌منظور پیوستن به پرونده

1. Implementation of the Disengagement Plan Law

2. Michael Herzog

نسل‌کشی آفریقای جنوبی علیه رژیم صهیونیستی در دیوان بین‌المللی دادگستری، دلالت بر کاهش مشروعیت رژیم صهیونیستی نزد هم‌پیمانان استراتژیک خود دارد (Berker, 2024).

در نهایت، حکم اخیر دیوان کیفری بین‌المللی علیه بنیامین نتانیا‌هو و یوآف گالانت، ضربه‌ای سنگین بر موقعیت بین‌المللی آنان وارد ساخت و چشم‌انداز دیپلماتیک رژیم صهیونیستی را بیش‌ازپیش تیره کرد. در نوامبر ۲۰۲۴، این دیوان با صدور حکمی، این دو مقام ارشد را به اتهام ارتکاب جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، به‌ویژه در ارتباط با درگیری‌های غزه، تحت تعقیب قرار داد. در متن این حکم، مسئولیت مستقیم نتانیا‌هو و گالانت در استفاده از گرسنگی به‌عنوان سلاح جنگی، محدودیت عامدانه منابع آب شرب و هدف قرار دادن غیرنظامیان مورد تأکید قرار گرفته است (ICC, 2024). این تصمیم، نه‌تنها آزادی عمل نتانیا‌هو را در کشورهای عضو دیوان کیفری بین‌المللی، به‌ویژه در اروپا، به‌شدت محدود ساخت، بلکه تعهد دولت‌های عضو به اجرای این حکم را به آزمونی جدی بدل کرد. در صورتی‌که این کشورها از انجام تعهدات خود سر باز زنند، ممکن است پیامدهای دیپلماتیک سنگینی، از جمله ارجاع پرونده به شورای امنیت سازمان ملل متحد، صورت پذیرد. افزون بر این، صدور چنین حکمی می‌تواند زمینه‌ساز تحقیقات گسترده‌تر درباره جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و گشایش پرونده‌های جدید در دیوان بین‌المللی دادگستری گردد (Arab Center for Research and Policy Studies, 2024). از این‌رو، این رخداد نه‌تنها نقطه عطفی در مسیر پیگیری حقوقی اقدامات رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود، بلکه بستر تازه‌ای برای بررسی آینده این رژیم در نظام بین‌الملل فراهم می‌آورد؛ آینده‌ای که بیش از هر زمان دیگری در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است.

## ۷. نتیجه‌گیری

برایند نهایی این پژوهش، در چهارچوب یک تلفیق روشمند از مبانی الهیاتی و نظریه‌های مدرن علوم سیاسی، به‌ویژه در حوزه مطالعات زوال رژیم‌ها، بر این نکته دلالت دارد که رژیم صهیونیستی، علی‌رغم برخورداری از پشتوانه‌های قابل‌توجه نظامی، اطلاعاتی و دیپلماتیک در سطح جهانی، در برابر امواج فزاینده بحران‌های ساختاری داخلی و

فشارهای بین‌المللی، به تدریج وارد مرحله‌ای از افول سیاسی شده است که نشانه‌های آن را می‌توان در تضعیف اقتدار دولت، فروپاشی انسجام اجتماعی، افزایش شکاف‌های قومیتی و سیاسی و ناتوانی در مدیریت بحران‌ها به صورت آشکار مشاهده نمود.

نخست، استمرار سیاست‌های تبعیض نژادی و سرکوب علیه جمعیت‌های غیر یهودی در سرزمین‌های اشغالی، به‌ویژه فلسطینیان، که نقض مکرر اصول بنیادین حقوق بین‌الملل عمومی، از جمله اصل منع تبعیض، اصل حق تعیین سرنوشت و اصل منع مجازات جمعی را در پی داشته است، موجب تضعیف شدید مشروعیت بین‌المللی رژیم صهیونیستی شده است. این وضعیت در گزارش‌های رسمی نهادهایی نظیر شورای حقوق بشر سازمان ملل، دیوان بین‌المللی دادگستری و سازمان‌های غیردولتی معتبر بین‌المللی نیز به صورت مکرر مورد تأیید قرار گرفته است.

دوم، نفوذ فزاینده جریان‌های راست‌گرای افراطی در ساختار قدرت رژیم صهیونیستی، که با تلاش برای انحصار قدرت، حذف گفتمان‌های مخالف و تصویب قوانین مبتنی بر طرد سیاسی، نژادی و مذهبی همراه بوده، منجر به شکل‌گیری بحران هویتی شدیدی در بدنه حکومتی این رژیم شده است. این بحران، نه تنها مشروعیت سیاسی حاکمیت را از درون فرسوده، بلکه موجب گسترش گرایش‌های توسعه‌طلبانه و رفتارهای تهاجمی در سیاست خارجی نیز شده است؛ روندی که در سطح روابط بین‌الملل با بازخوردهای منفی گسترده‌ای مواجه گردیده و موضع رژیم صهیونیستی را در نظام منطقه‌ای و جهانی آسیب‌پذیرتر ساخته است.

سوم، از منظر الهیاتی و بر پایه آموزه‌های قرآنی و روایی، استمرار سیاست‌های مبتنی بر ظلم، فساد و عصیان در برابر سنت‌های الهی، از مصادیق بارز مسیرهای زوال سیاسی در تاریخ بشر محسوب می‌شود. در متون دینی اسلامی، تأکید شده که هر حکومتی که بر پایه ظلم و فساد بنیان نهاده شود، سرنوشتی جز سقوط نخواهد داشت؛ الگویی که در مورد رژیم صهیونیستی نیز به روشنی تطبیق‌پذیر است.

بر این اساس، تأکیدات راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص فروپاشی قریب‌الوقوع رژیم صهیونیستی را می‌توان نه صرفاً به‌مثابه موضع‌گیری سیاسی، بلکه به‌عنوان یک

رویکرد آینده‌پژوهانه با پشتوانه معرفتی چندلایه در نظر گرفت. این رویکرد، هم‌زمان بر سه ستون استوار است: ۱. واقعیت‌های تجربی عینی در سطح داخلی رژیم صهیونیستی؛ ۲. تحلیل‌های ساختاری در حوزه نظریه‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و ۳. مفاهیم بنیادین سنت‌های الهی در اسلام. چنین تلاقی، تحلیل مذکور را در جایگاه یک چهارچوب تفسیری جامع، مستند و قابل اتکا قرار می‌دهد که قابلیت کاربرد در تحلیل تحولات آینده رژیم‌های شبه‌اقتدارگرا در سطح بین‌المللی را نیز دارا است.

## فهرست منابع:

- قرآن کریم
- اسماعیل‌آبادی، علیرضا (۱۳۷۸). *برائت از مشرکین از دیدگاه امام خمینی (ره)*. میقات حج، ۸(۳۰)، ۲۱۶-۲۳۰.
- اطهری، سید حسین؛ حسینی گاج، موسی‌الرضا (۱۳۹۱). *کالبدشکافی زوال و انحطاط سیاسی از دیدگاه ابن‌خلدون و ماکیاولی*. دانش سیاسی و بین‌الملل، ۱(۳)، ۱-۲۲.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰). *غررالحکم و درر الکلم*. قم: دار الکتب الاسلامیه.
- تورانی، اعلی؛ عمرانیان، سیده نرجس؛ مرتضوی، ام‌البین (۱۳۹۱). *رابطه سعادت و سیاست از دیدگاه فارابی*. آموزه‌های فلسفه اسلامی، ۷(۱۰)، ۱۰۷-۱۲۰.
- جعفری، یعقوب (۱۳۸۳). *سیری در علوم قرآن*. تهران: اسوه.
- جمشیدی، محمدحسین (بی‌تا). *نظریه خلافت عمومی انسان در اندیشه سیاسی سید محمدباقر صدر*. پژوهشگاه تخصصی شهید صدر.
- حامد مقدم، احمد (۱۳۸۷). *سنت‌های اجتماعی در قرآن*. مشهد: استان قدس رضوی.
- حسینی شاه‌العظیمی (۱۳۶۳). *تفسیر اثناعشری (جلد هفتم)*. تهران: میقات.
- حسینی‌زاده، سید محمدعلی (۱۳۹۵). *تأملی بر مبانی مشروعیت نظام سیاسی*. سیاست، ۴۸(۲)، ۳۲۷-۳۴۶.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۰/۰۵/۰۹). *بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان ارتش*.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۰/۰۵/۲۸). *بیانات در دیدار جمعی از آزادگان*.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۷/۰۴/۲۱). *بیانات در دیدار کارگزاران نظام*.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۰/۰۶/۱۴). *بیانات در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین*.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۱۱/۱۴). *بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران*.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۰۶/۱۸). *بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم*.

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۰۹/۲۴)؛ بیانات در دیدار با دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۰۹/۰۴)؛ بیانات در دیدار با مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۰۸/۲۴)؛ بیانات در دیدار با مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۲/۰۸/۱۰)؛ بیانات در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغتنامه دهخدا*. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- رضازاده، حسین؛ رنجبریان، امیرحسین (۱۳۹۸). *شناسایی جمعی فلسطین*. مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۴۹(۱)، ۷۷-۹۵.
- رکابیان، رشید؛
- پادروند، مهدی؛ عزتی، محسن (۱۴۰۳). *طوفان الاقصی و تأثیر آن بر بحران امنیتی و سیاسی رژیم صهیونیستی*. بحران پژوهی جهان اسلام، ۱۱(۱)، ۱۱۷-۱۳۹.
- روحی، ابوالفضل (۱۳۸۴). *سیمای بنی‌اسرائیل در قرآن*. معرفت، ۱۴(۹۵)، ۵۵-۶۹.
- زهرایی، مصطفی (۱۳۷۷). *اندیشه سیاسی علامه طباطبائی*. علوم سیاسی، ۱(۱)، ۸۹-۱۱۵.
- سلیمان‌نژاد، عباس (۱۳۷۹). *مشروعیت سیاسی در حکومت اسلامی*. پرتال جامع علوم انسانی.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). *نهج‌البلاغه*. قم: هجرت
- شعبانعلی، محمدرضا (۱۴۰۲). *درباره مفهوم زوال*. روزنوشته‌های محمدرضا شعبانعلی.
- شمالی، علیرضا؛ سید علی اکبر، ربیع نتاج (۱۳۹۷). *بررسی تطبیقی اخلاق بنی‌اسرائیل در قرآن و تورات*. مطالعات قرآنی، ۹(۳۵)، ۲۴۷-۲۷۶.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۱). *معانی الاخبار*. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه

- صمدیه، مریم؛ شمسی، محمدمهدی؛ صفرزاده ملکی، علی (۱۴۰۱). نقش حکومت و تربیت در تبیین شکاف میان معرفت و فعل اخلاقی در آرا و اندیشه‌های فارابی. آینه معرفت، ۲۲(۳)، ۱۶۴-۱۴۵.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۲). المیزان فی تفسیرالقرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱). الغیبه. قم: دار المعارف الإسلامیه.
- غفاری‌فر، حسن (۱۳۸۷). سلسله صلح‌های تحمیلی برای حذف تدریجی هویت فلسطینی ۲۰۰۷-۱۹۷۸. علوم سیاسی، ۱۱(۴۴)، ۱۸۳-۲۱۲.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴). تفسیر القمی. تصحیح طیب موسوی جزائری. قم: دار الكتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحار الأنوار لدرر أخبار الأئمه الأطهار. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- مرادخانی تهرانی، احمد (۱۳۹۴). سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن. تهران: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی (جلد اول). تهران: انتشارات ادنا.
- معینی‌پور، مسعود (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی الگوی توسعه سیاسی هانتینگتون با الگوی رشد سیاسی در جامعه مهدوی. مشرق موعود، ۳(۱۲)، ۷۹-۱۰۶.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴). تفسیر الکاشف. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (جلد دوم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- Amnesty International. (2024). Amnesty International investigation concludes Israel is committing genocide against Palestinians in Gaza. *Amnesty International*. Available at: <https://www.amnesty.org/en/latest/news/2024/12/amnesty-international-concludes-israel-is-committing-genocide-against-palestinians-in-gaza/> (Accessed on May 25, 2025)

- Amundsen, Inge. (1999). *Political Corruption: An Introduction to the Issues*. Bergen: Chr. Michelsen Institute.
- Arab Center for Research and Policy Studies. (2024). Implications of the ICC Arrest Warrants against Netanyahu and Gallant. Available at: <https://www.dohainstitute.org/en/PoliticalStudies/Pages/implications-of-the-icc-arrest-warrants-against-netanyahu-and-galant.aspx> (Accessed on February 11, 2025)
- Arkush, Allan. (2014). Zionism's Forgotten Father. *Jewish Review of Books*. Available at: <https://jewishreviewofbooks.com/articles/1129/zionisms-forgotten-father/#> (Accessed on February 11, 2025)
- Berker, Merve. (2024). Spain intervenes in ICJ case on genocide prevention in Gaza. *Anadolu Agency*. Available at: <https://www.aa.com.tr/en/europe/spain-intervenes-in-icj-case-on-genocide-prevention-in-gaza/3261302> (Accessed on May 25, 2025)
- Bhavsar, Karishma Pranav. (2024). 'Shame on You': Israeli envoy shreds UN Charter over resolution supporting full membership of Palestine. *Livemint*. Available at: <https://www.livemint.com/news/world/shame-on-you-israeli-envoy-shreds-un-charter-over-resolution-supporting-full-membership-of-palestine-watch-video-11715411845894.html> (Accessed on February 11, 2025)
- Blanco-González, Alicia & Payne, Gregory & Prado-Román, Camilo. (2019). Political variables and state legitimacy. *Harvard Deusto Business Research*, 8(2).
- Cohen, Noam. (2018). The struggle of human rights NGOs and the "Funding Transparency" Law in Israel. *The Nuremberg Human Rights Center*. Available at: <https://www.menschenrechte.org/en/2018/07/12/the-struggle-of-human-rights-ngos-and-the-funding-transparency-law-in-israel/> (Accessed on February 11, 2025)
- Coicaud, Jean-Marc. (2019). Political Legitimacy, from the National to the International. *Chinese Political Science Review*, 4(1), 455-473.
- Crowcraft, Orlando. (2014). Former Israeli PM Ehud Olmert handed six-year jail sentence. *The Guardian*. Available at: <https://www.theguardian.com/world/2014/may/13/former-israeli-pm-ehud-olmert-six-years-jail> (Accessed on February 11, 2025)
- Deveci, Mustafa. (2019). Ethiopian Jews suffer racism in Israel. *Anadolu Agency*. Available at: <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/ethiopian-jews-suffer-racism-in-israel/1526782> (Accessed on February 11, 2025)
- Ducourtieux, Cécile. (2024). UK partially suspends arms sales to Israel. *Le Monde*. Available at: [https://www.lemonde.fr/en/international/article/2024/09/03/the-uk-partially-suspends-its-arms-sales-to-israel\\_6724560\\_4.html](https://www.lemonde.fr/en/international/article/2024/09/03/the-uk-partially-suspends-its-arms-sales-to-israel_6724560_4.html) (Accessed on May 25, 2025)
- Eichler, William. (2023). Herzl's Troubled Dream: The Origins of Zionism. *History Today*. Available at: <https://www.historytoday.com/archive/feature/herzls-troubled-dream-origins-zionism> (Accessed on February 11, 2025)
- Groenewald, Alphonso. (2008). Psalm 69: 36 in the light of the Zion-tradition. *Old Testament Essays*, 21(2), 358-372.
- Haokai, Zhang (2022). Machiavelli's Political Thought and Its Inspiration—Text Analysis Based on the Prince. *Advances in Politics and Economics*, 5(1), 33-49. DOI: 10.22158/ape.v5n1p33
- Harfst, Philipp & Wiesner, Claudia. (2024). Measuring political legitimacy in two dimensions: Internal and external measures. *Frontiers in Political Science*, 6, Article 999743. 1-12. DOI: 10.3389/fpos.2024.999743

- Hazony, Yoram. (2000). *Azure, Ideas for the Jewish Nation: No. 9, Spring 5760/2000*. The Shalem Center: Jerusalem.
- Heller, Aron. (2011). Ex-Israeli president Katsav sentenced to 7 years. *AP*. Available at: <https://apnews.com/article/middle-east-israel-crime-tel-aviv-sexual-misconduct-711a404aaccd48738a9c9b446da55fa7> (Accessed on February 11,)
- Hermann, Tamar & Yohanani, Lior & Kaplan, Yaron. (2024). Netanyahu Government Gets Low Grades Across Various Wartime Issues. *The Israel Democracy Institute*. Available at: <https://en.idi.org.il/articles/54325> (Accessed on February 11, 2025)
- Hicks, Kenneth. (2015). Political order and political decay: From the Industrial Revolution to the globalization of democracy. *oklahoma politics*, 25(1), 119-123.
- Holler, Manfred J.(2009). Niccolò Machiavelli on Power. In M. Baumann & B. Lahno (Eds.), *Perspectives in Moral Science* (335-354). Frankfurt School Verlag.
- Honorio, U.V. (2014). *Struggle for Acceptance: Evaluating Israel's Strained Relations with the UN*. Toronto: Canadian Forces College.
- Human Rights Watch. (2024). Israel's Crime of Extermination, Acts of Genocide in Gaza. 70. *Human Rights Watch*. Available at: <https://www.hrw.org/news/2024/12/19/israels-crime-extermiation-acts-genocide-gaza> (Accessed on May 25, 2025)
- Hussmann, Karen & Dix, Sarah & Walton, G. (2012). *Risks of corruption to state legitimacy and stability in fragile situations* (U4 Issue 2012:3). Bergen: Chr. Michelsen Institute.
- ICC. (2024). Situation in the State of Palestine: ICC Pre-Trial Chamber I rejects the State of Israel's challenges to jurisdiction and issues warrants of arrest for Benjamin Netanyahu and Yoav Gallant. Available at: <https://www.icc-cpi.int/news/situation-state-palestine-icc-pre-trial-chamber-i-rejects-state-israels-challenges> (Accessed on February 11, 2025)
- Imseis, Ardi. (2021). The United Nations Plan of Partition for Palestine Revisited: On the Origins of Palestine's International Legal Subalternity. *Stanford Journal of International Law*, 57(1), 1-54.
- *Irish Examiner*. (2006). Sharon family 'took bribes from businessman'. Available at: <https://www.irishexaminer.com/world/arid-30237800.html> (Accessed on February 11, 2025)
- Isbouts, Jean-Pierre. (2014). We may now know which Egyptian pharaoh challenged Moses. *National Geographic*. Available at: <https://www.nationalgeographic.com/culture/article/pharaoh-king-punished-god> (Accessed on February 11, 2025)
- Jones, Mared Gwyn. (2024). Are European countries still supplying arms to Israel?. *Euro News*. Available at: <https://www.euronews.com/my-europe/2024/10/09/are-european-countries-still-supplying-arms-to-israel?> (Accessed on May 25, 2025)
- Joseph, Yonette & Kingsley, Patrick. (2023). Netanyahu Will Return With Corruption Charges Unresolved. Here's Where the Case Stands. *The New York Times*. Available at: <https://www.nytimes.com/2022/11/03/world/middleeast/netanyahu-corruption-charges-israel.html> (Accessed on February 11, 2025)
- Klug, Brian. (2009). The Meaning of Zion. *Index on Censorship*, 38(3), 171-184. <https://doi.org/10.1080/03064220903167444>

- Knell, Yolande. (2023). Israel police crack down on protests against judicial reforms. *BBC*.
- Liebermann, Oren. (2017). 5 corruption scandals that rocked Israel. *CNN World*. Available at: <https://edition.cnn.com/2017/01/08/middleeast/israeli-politics-corruption/index.html> (Accessed on February 11, 2025)
- Machairas, Dimitrios. (2017). The strategic and political consequences of the June 1967 war. *Cogent Social Sciences*, 3(1), 1-15.
- McLaughlin, Elliott C. (2015). Iran's supreme leader: There will be no such thing as Israel in 25 years. *CNN*. Available at: <https://edition.cnn.com/2015/09/10/middleeast/iran-khamenei-israel-will-not-exist-25-years/>
- Patten, Alan. (2020). The Idea of Israel as a Jewish State. *Theoretical Inquiries in Law*, 21(2), 531-559. <https://doi.org/10.1515/til-2020-0023>
- Sanchez, Raf & Lederman, Josh. (2023). Biden is begging Netanyahu 'not to rush' judicial overhaul that has shaken Israeli society. Will the Israeli leader listen?. *NBC News*. Available at: <https://www.nbcnews.com/news/world/israel-biden-netanyahu-judicial-overhaul-protests-rcna95053> (Accessed on February 11, 2025)
- Snellings, Satchie. (2019). The "Gayfication" of Tel Aviv: Investigating Israel's Pro-gay Brand. *Queer Cats Journal of LGBTQ Studies*, 3(1), 27-55.
- Snyder, Jack. (2015). Political Order and Political Decay: From the Industrial Revolution to the Globalization of Democracy by Francis Fukuyama. *Ethics & International Affairs*. Available at: <https://www.ethicsandinternationalaffairs.org/journal/political-order-and-political-decay-from-the-industrial-revolution-to-the-globalization-of-democracy-by-francis-fukuyama> (Accessed on February 11, 2025)
- Susser, Asher. (2017). Israeli Legitimacy and Partition. *The Foreign Policy Research Institute*. Available at: <https://www.fpri.org/article/2017/11/israeli-legitimacy-partition/> (Accessed on May 25, 2025)
- *UN Press*. (2024). Veto of Security Council Resolution Calling for Ceasefire in Gaza Emboldens Israel to Continue Crimes against Palestinian People, Speakers Tell General Assembly. Available at: <https://press.un.org/en/2024/ga12586.doc.htm> (Accessed on February 11, 2025)
- Wiengrad, Michael. (2007). Messiah, American Style: Mordecai Manuel Noah and the American Refuge. *AJS Review*, 31(1), 75-108.
- Youswef, Khaled. (2024). Israeli public opinion shifts on Netanyahu as prime minister regains support. *Anadolu Agency*. Available at: <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/israeli-public-opinion-shifts-on-netanyahu-as-prime-minister-regains-support/3353576#> (Accessed on February 11, 2025).